

الکومی
اسلامی
ایرانی

تحلیل گفتمانی مفهوم رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

سهیل سرو^۱، علی ذوعلم^۲

چکیده

رفاه اجتماعی ادارهٔ امور مادی و روانی جامعه است و با مقولاتی نظیر کیفیت زندگی و آسایش در امور روانی و معیشت و مزایا و خدمات اجتماعی در امور مادی ارتباط دارد. در این مقاله با هدف دستیابی به نگاه انقلاب اسلامی به عنوان یک حکومت دینی به رفاه اجتماعی، به کشف معنای رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی پرداخته شده و با پرسش اصلی «رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» پیگیری شده است. معناکاوی رفاه اجتماعی در این دیدگاه به وسیلهٔ بررسی مفاهیم مقوم و مفاهیم مرتبط با رفاه که بر اساس حساسیت نظری موضوع در نظریات رفاهی است، به دست آمده است. این تحقیق با روش کیفی و از طریق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام شده است. براین اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر مفهوم کمال انسانی و مبتنی بر رشد معنوی است. در این دیدگاه آزادی و عدالت اجتماعی برخلاف نظریات رایج رفاهی نه دو مفهوم مخالف که دو مفهوم موافق یکدیگرند و اساساً رفاه اجتماعی در نظر ایشان از رهگذر این دو مفهوم می‌گذرد. در این دیدگاه دولت نقش نظارتی در اعمال و انجام رفاه اجتماعی دارد. در این تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که تلاش و کار و مسئولیت‌پذیری عامل اعطای تسهیلات است و تنها افرادی که توانایی کسب درآمد ندارند مانند ناتوانان جسمی و روحی دریافت‌کننده خدمات و تسهیلات رایگان هستند.

کلیدواژه‌ها: رفاه اجتماعی، آزادی، عدالت اجتماعی، دولت، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. سهیل سرو، محمد دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) soheilsarvm@gmail.com

۲. ذوعلم، علی استادیار گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی mrahimi1388@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

رفاه اجتماعی در ساده‌ترین تعریف فراهم آوردن بهزیستی برای افراد یک جامعه است؛ ایجاد آرامش خیال اجتماعی به‌طوری که ضمن به رسمیت شناختن حقوق افراد، تکالیف و مسئولیت‌های جمعی آنها نیز شناخته شده باشد. براین اساس تاکنون جهت‌گیری‌های متفاوتی در کشورهای مختلف نسبت به رفاه اجتماعی اتخاذ شده است. ایران نیز از این دست جهت‌گیری‌ها بی‌بهره نبوده است.

مبارزه با فقر، نابرابری و بی‌عدالتی، عدم دسترسی به آزادی و تأمین احتیاجات ضروری بشر از قبیل آرامش و آسایش، افزایش کیفیت زندگی و شادکامی خواست همه انسان‌ها طی اعصار گذشته تا به امروز بوده است. از آرمان‌شهرهای فلاسفه مانند افلاطون و توماس مور تا مدینه فاضله فارابی، از جامعه‌های بی‌طبقه جامعه‌شناسان مانند مارکس تا بازارهای آزاد اقتصاددانان مانند اسمیت برای رسیدن به خیر عمومی همگی به‌نوعی درصدد دستیابی به این مؤلفه‌ها بوده است.

براین اساس از بهترین اقدامات انجام‌شده رفاهی در اعصار گذشته می‌توان به دوره تمدن اسلامی و به‌ویژه به صدر اسلام و دوران کوتاه امیرالمؤمنین اشاره کرد. در الگوی رفاه علوی که با مقولات اساسی عدالت اجتماعی و امنیت فردی-اجتماعی (مانند ماجرای کشیدن خلخال از پای زن یهودی) (خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه) هم‌نشین است رعایت حقوق حاکم و مردم در چارچوب حق و تکلیف از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. از این‌رو، آبادی و عمران و ایجاد منبع درآمد برای مردم (نامه ۳۱ نهج‌البلاغه) و نیز افزایش درآمدهای عمومی و سرریز کردن آنها بر زندگی مردم از حقوق مردم بر حاکم برشمرده شده است. (خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه)

طبق نقل مورخین در دوران حکومت امیرالمؤمنین و الگوی رفاه علوی، کوفه مرکز خلافت به‌گونه‌ای بوده که تمام مردم آن زندگی مرفه داشتند و دارای خانه و بهره‌مند از آب آشامیدنی سالم بوده‌اند. (کوفی، ۱۴۰۹، ۱۵۷)

اولین اقدام مؤثر در دوران معاصر برای رسیدن به جامعه رفاهی، حمایت‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی توسط الگوهای بیسمارکی و بورجی بوده است. این الگوها بیشتر با معنای بهزیستی و مقولاتی همچون سلامت و امنیت فردی همراه بود و از طریق تأمین اجتماعی اجباری در الگوی بیسمارک و استفاده از مالیات‌های عمومی در الگوی بورجی انجام می‌شود.

سیر تاریخی پیشرفت در توجه به رفاه اجتماعی پس از الگوهای مذکور با تسریع حوادثی مانند بحران اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶ منجر به ایجاد نهادهای دولت رفاه‌گینزی شد و در حال حاضر سخن از گفتمان رفاه اجتماعی به‌عنوان عاملی است که جهان را به‌وسیله آن می‌توان درک نمود. (ابرین و پنا^۱، ۱۹۹۸: ۷-۸)

نکته حائز اهمیت این است که دسترسی به گفتمان رفاهی بیش از آنکه در نظام‌های استبدادی خود را بروز دهد، در نظام‌های مردم‌سالار قابلیت ظهور دارد. در ایران نیز با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام مردم‌سالار توجه به توزیع برابر منابع مورد توجه قرار گرفته است. رویکردهای متفاوت در کشور درباره رفاه اجتماعی حاکی از وجود مسئله‌ای در حوزه سیاست‌های اجتماعی است. به‌طوری‌که کشور یک دوره با مشکلات اقتصادی مانند تحریم‌ها، تورم، رکود و دوره‌ای دیگر با بحران‌های فرهنگی مانند تعارض در فرهنگ سنتی و مدرن مواجهه بود. این مشکلات به‌نوعی مستقیم یا غیرمستقیم به رفاه اجتماعی مرتبط‌اند.

در خصوص رفاه اجتماعی دو راه می‌تواند پیش روی کشور باشد؛ یا بایستی به سمت اجرای سیاست‌های اجتماعی متداول در کشورهای پیشرفته گام برداشت؛ یا بر اجرای سیاست‌های اجتماعی بومی و مطابقت آنها با انقلاب اسلامی اقدام نمود. برای منظور اخیر نیاز به کشف مفهوم رفاه اجتماعی در رویکرد انقلاب اسلامی است. به‌نظر می‌رسد بررسی دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای بعنوان رهبر عالی انقلاب اسلامی طی سی سال گذشته و تصویب، ابلاغ و اجرای بسیاری از سیاست‌ها در دوره ایشان می‌تواند در استخراج معنای رفاه اجتماعی یاری‌کننده باشد.

۲. هدف و پرسش‌های تحقیق

با مطالعه دولت‌های پس از انقلاب می‌توان رفت‌وبرگشت‌هایی را در مقوله‌های رفاهی مشاهده نمود که بخشی از آن را می‌توان ناشی از نبود معنای معین از رفاه اجتماعی مبتنی بر انقلاب اسلامی دانست. به‌طوری‌که در دولت پنجم و ششم تأکید بر مفهوم توسعه بود. در دولت هفتم و هشتم تأکید بر مفهوم آزادی و در دولت‌های نهم و دهم مفهوم عدالت اجتماعی پررنگ‌تر شد. در دولت یازدهم و دوازدهم نیز تأکید بر امید و اعتدال به‌عمل آمد.

بنابراین، کم‌وبیش تمامی این دولت‌ها بر مفاهیم رفاه اجتماعی تأکید داشتند اما نه بصورت نظامند و

یکپارچه. بدین جهت، فارغ از مسائل سیاسی یکی از مسائل و مشکلات این دوره‌ها را می‌توان در مشخص نبودن نظریهٔ رفاه اجتماعی انقلاب اسلامی عنوان کرد که منجر به اجرای سیاست‌های اجتماعی خاصی شده که تفاوت‌هایی را به‌وجود آورده است.

از این‌رو در تحقیق پیش رو، با هدف دستیابی به معنا و مفهوم رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی، تلاش شده است تا چیستی رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی با استفاده از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و بر اساس مفاهیم مقوم و مفاهیم مرتبط رفاه اجتماعی در دیدگاه ایشان انجام شود. براین اساس در ارائه راه‌حل به این مسئله این سؤالات پیگیری می‌شود. مفاهیم مقوم و مرتبط رفاه اجتماعی چیست؟ مفاهیم مقوم و مرتبط با رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه نگریسته شده‌اند؟

۳. پیشینهٔ تحقیق

با توجه به اهمیت این مسئله تحقیقات مختلفی که در این موضوع انجام شده بررسی و در ذیل به آنها اشاره شده است:

- هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۲) در «گفتمان عدالت اجتماعی در چهار دولت پس از انقلاب اسلامی» به بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در چهار دولت پس از انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه و روش «ارنستو لاکلاو و شنتال موفه» و «نورمن فرکلاف» پرداخته‌اند تا به درک نشانه‌های اصلی و مفصل‌بندی‌های خاص هر گفتمان بپردازد. در ترسیم عدالت اجتماعی، نه نسخهٔ دست چپی‌ها (برابری در فرصت‌ها و برابرسازی نتایج) و نه نسخهٔ دست راستی‌ها (فقط برابرسازی فرصت‌ها) هیچکدام نسخهٔ کاملی نیست؛ بلکه نیاز به یک دیدگاه ترکیبی است. شکل تبلور گفتمان دولت از گفتار (سخنرانی‌ها) شروع و در نهایت در قالب سیاست‌های اجتماعی مد نظر قرار گرفته است. نتیجهٔ پژوهش نشان می‌دهد که عدالت در بین دولت‌مردان جمهوری اسلامی کم‌و بیش مورد توجه بوده و در مفصل‌بندی گفتمان عدالت چهار دولت، نشانهٔ مرکزی آن در قالب فقرزدایی نمود داشته است.

- بخشایش اردستانی و رمضانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «گفتمان عدالت و پیشرفت در گفتمان‌های دولت‌های انقلاب اسلامی» مسئله بررسی شده است و در آن رسیدن به رفاه اجتماعی

از گذرگاه معنویت، اخلاق و عدالت قابل تحقق دانسته شده اما این تحقیق درصدد توصیف گذشته و نیز برنامه‌ریزی با نقشه راه جدید برای آینده است، در حالی که در آن به یک الگو در آینده اشاره شده اما الگویی از آن به‌طور مشخص درباره موضوع رفاه اجتماعی استخراج نشده است.

- جمشیدپها و گلوری (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «عدالت در اندیشه آیت‌الله سید محمدباقر صدر» به این نتیجه رسیده است که عدالت ارزشی ذاتی و نهایی دارد که برای تحقق سایر ارزش‌ها در جامعه به آن نیاز است. همچنین عدالت از مطالبات فطری انسان است و تابع قرارداد افراد جامعه نیست و به شرایط تاریخی اجتماعی ویژه‌ای تعلق ندارد. در نظریه صدر مفهوم تساوی از ماهیت‌شناسی عدالت، از ریشه نفی شده و «کار» معیاری برای برخورداری‌های متفاوت عادلانه است.

- نادران و کرمی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «بررسی خاستگاه توابع رفاه اجتماعی در رویکرد برگسون و ساموئلسون از منظر اسلام و سکولاریسم» به این مسئله می‌پردازند که خاستگاه و منشأ تعیین این رتبه‌بندی چیست؟ اقتصاد رفاه قدیم و پارتویی، این رتبه‌بندی را برخاسته از مطلوبیت‌ها و ترجیحات فردی افراد می‌داند؛ اما رویکرد برگسون-ساموئلسن آن را برخاسته از ترجیحات اجتماعی افراد می‌داند. هردو رویکرد، با ایده سکولاریسم که همه ترجیحات را تنها در حوزه شناخت انسانی قرار می‌دهد، به‌صورت کامل سازگار است؛ اما با اندیشه اسلامی که معرفت‌های وحیانی را نیز می‌افزاید، تنها در محدوده‌ای خاص پذیرفتنی است.

- الزرقا (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام» به این نکته توجه کرده که در طی ربع قرن گذشته مطالب قابل توجهی در مورد سیستم اقتصادی اسلام نوشته شده است، به‌طوری‌که در هر یک از آنها می‌توان گاه قرابت‌های قابل توجه و مبانی نظری مشابهی میان بنیان‌های ارزشی اسلام که در قرآن به آن اشاره شده و مبانی علم اقتصاد یافت. مهم‌ترین شباهت‌هایی که در این مقاله از میان انبوه وجوه تشابه برگزیده شده و به آنها اشاره شده شامل رابطه اعتقادات و رفتار اقتصادی، رابطه اعتقادات با نظام ترجیحات فردی و الگوی مصرف، رابطه

اعتقادات با تعیین اولویت‌های زندگی و سازوکار حداکثر سازی مصرف هست و در پایان نیز به مطالبی در مورد نتایجی از رابطه حقوق اسلامی و علم اقتصاد پرداخته شده است.

با توجه به بررسی انجام شده و آثار پژوهشی فوق خلاً وجود پژوهش در زمینه کلیت رفاه اجتماعی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد. براین اساس وجه ممیزه این مقاله با سایر آثار در موارد ذیل است:

۱. مقاله حاضر نوع نگاه آیت الله خامنه‌ای به مفاهیم اصلی و مبانی رفاه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است در حالی که آثار دیگر در بررسی مفاهیمی مانند عدالت پرداخته‌اند و مفهوم رفاه اجتماعی را دخالت نداده‌اند و تنها به بررسی همان مفهوم خاص پرداخته‌اند. ۲. رفاه اجتماعی در این تحقیق به عنوان یک کل متشکل از مفاهیم عدالت، آزادی و... بررسی شده است در حالی که دیگر آثار بر بخشی از مؤلفه‌های رفاهی مانند عدالت متمرکز بوده‌اند.

۴. تعریف مفاهیم

مفاهیم انتخاب شده برای بررسی یافته‌های تحقیق در این مقاله به دو بخش مفاهیم مقوم و مفهوم مرتبط دسته‌بندی شده است:

۴-۱. مفاهیم مقوم رفاه اجتماعی

این مفاهیم، مفاهیمی هستند که در ذات رفاه اجتماعی وجود دارند و اساساً رفاه حول آنها شکل گرفته و معنا می‌یابد. آزادی، عدالت اجتماعی مفاهیم مقوم رفاه هستند.

البته در برخی نظریات مخالف رفاه، آزادی مفهوم مخالف رفاه محسوب می‌شود (هایک^۱، ۱۹۶۰، نازیک^۲، ۱۹۷۹) و عدالت بعنوان اساس رفاه به حساب می‌آید اما در نظر اندیشمندان اصیل رفاهی آزادی نیز خود رفاه و توسعه است. (آمارتیا سن، ۱۳۹۴)

الف. آزادی

از نقطه نظر لیبرالیسم افراد برای پیگیری منافعشان باید آزاد باشند. آنها معتقدند اگر افراد تحت سرکوبی و تحکم قرار نگیرند، توان پیشرفت دارند. در نظر لیبرال‌ها، آزادی به وسعت دادن به ایده‌ها و

1 Hayek

2 Nozick

آرمان‌ها می‌انجامد و لذا نباید بر خرد جمعی نسل‌های پیشین تکیه کرد. در این دیدگاه دو نوع آزادی وجود دارد. آزادی منفی به معنای فقدان هر محدودیتی و آزادی مثبت به معنی تشویق افراد به انتخاب بهترین شیوه زندگی است. به عبارت دیگر آزادی با افزایش توان افراد برای مشارکت در تأمین منافع عمومی معنا می‌یابد. (تیلور، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۰)

در دیدگاه سوسیال‌دموکرات‌ها آزادی فرصت سعادتمندی فرد و رها شدن از محرومیت‌های اقتصادی است و زمانی آن را قابل‌دستیابی می‌دانند که اقدامات برابرطلبانه ایجاد شود تا افراد، آزادی واقعی را تجربه کنند. (گودوین^۱، ۱۹۸۷: ۱۰۸) به عبارت دیگر تا زمانی که سطح وسیعی از برابری در جامعه ایجاد نشود آزادی واقعی تضمین نمی‌شود لذا آزادی اقتصادی به نبود نابرابری‌های اقتصادی وابسته است و آزادی حقیقی در گرو گسترش فرصت‌های موجود و قابلیت‌های افراد جهت پیگیری ترجیحاتشان است. (تاوینی^۲، ۱۹۳۱: ۱۶۸)

مسائل اجتماعی از آنجایی به وجود می‌آیند که مطابق قابلیت‌های افراد عمل نمی‌شود و این خود نتیجه نبود آزادی در جامعه است؛ یعنی آزادی شرایطی است که قابلیت‌ها در آن بروز و ظهور پیدا می‌کند. در این دیدگاه، آزادی هدف نهایی ترتیبات اقتصادی و اجتماعی و در عین حال کاراترین ابزار تحقق رفاه اجتماعی است. نهادهای اجتماعی نظیر بازار، احزاب سیاسی، مجالس قانون‌گذاری، دستگاه قضایی و رسانه‌ها از طریق ارتقای آزادی فردی در فرایند توسعه نقش مهمی دارند. (سن، ۱۳۹۴)

در منظر اندیشمندان اسلامی آزادی در سه معنا در نظر گرفته شده است:

۱- آزادی از محکومیت طبیعت. ۲. آزادی از محکومیت انسان‌های دیگر. ۳. آزادی از محکومیت انگیزه‌های درونی خود. (مطهری، ۱۳۹۸)

آزادی اجتماعی؛ یعنی بشر در اجتماع، از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند، او را محبوس نکنند، به حالت یک زندانی درنیاورند که جلوی فعالیتش گرفته شود. دیگران او را استثمار و استعباد نکنند؛ یعنی قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند.

1 Goodwin

2. Tawney

برای تبیین واقع‌گرایانه از تعریف آزادی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای تعریف مختار آزادی در این تحقیق براساس ترکیبی از هر سه دیدگاه لیبرالیسم، سوسیالیسم و نظرات اندیشمندان اسلامی مدنظر قرار گرفته است.

ب. عدالت اجتماعی

در دیدگاه لیبرال‌های اجتماعی عدالت همان حذف امتیازات بی‌دلیل و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها است که در ساختار یک‌نهاد اجتماعی پیش‌بینی شده است (راولز^۱، ۱۹۷۱) بنابراین، عدالت زمانی حاصل می‌شود که توزیع درست سود و مسئولیت در همیاری اجتماعی صورت گیرد. (لسناف، ۱۳۷۸: ۳۶۵)

در چگونگی حصول عدالت ممکن است به بازارهای آزاد، مالیات‌گذاری باز توزیعی، خدمات رفاهی برابانه، برخی مالکیت‌های اجتماعی بر اموال و مقررات‌گذاری محدود بر بازار به‌منظور تخصیص عادلانه کالاها نیاز باشد. (فیتزپاتریک، ۱۳۸۵: ۶۸)

براین اساس جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بیشتری نسبت به جامعه‌ای که منابع آن به شکل ناعادلانه توزیع می‌شود دارد. توزیع عادلانه به این معناست که توزیع برای محروم‌ترین افراد، مطلوب باشد. بدین ترتیب رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیرعادلانه و نابرابری در فرصت‌ها است نه حذف نابرابری (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۳۹۱: ۵۹).

نئولیبرال‌ها عدالت اجتماعی را امری موهوم می‌دانند که با هر هم زدن نظم خودانگیخته جامعه، موجب دخالت دولت در امور شخصی و مالکیت افراد بر اموال خود می‌شود. در واقع در نظر آنها عدالت اجتماعی همان چیزی است که هر فرد در ازای تلاش فردی خود برای خویش رقم می‌زند و سزاوار آن می‌گردد؛ بر این مبنا اگر عامل دیگری مانند دولت در این زمینه وارد شود، دیگر اسم آن عدالت اجتماعی نیست بلکه تعدی به حقوق افراد است. (هایک^۲، ۱۹۴۴، نازیک^۳، ۱۹۷۴)

بنابراین واقعیت یا وضعی را که هیچ‌کس نمی‌تواند تغییر دهد، نمی‌توان عادلانه یا ناعادلانه خواند. سخن گفتن از عدالت همواره به این معناست که کسی یا کسانی بایستی یا نبایستی عملی را انجام داده

1. Rawls
2. Hayek
3. Nozick

باشند؛ این باید و نباید خود، متضمن تصدیق وجود قواعدی است که شرایطی را معین می‌کنند؛ شرایطی که در آنها نوع خاصی از عمل ممنوع یا لازم است. سیستم مزایا باید به صورتی محدود و در قالب تور ایمنی، برای افراد بسیار فقیر تغییر شکل یابد، لذا سیستم مزایای بیکاری در بعضی از اشکال آن باید حفظ شود ولی هدف آن باید کاهش فقر باشد. نه برآوردن اهداف مساوات طلبانه. (هایک، ۱۹۶۰: ۴۵، ۲۵۸، ۳۰۵)

در این رویکرد عدالت استحقاقی به جای عدالت‌های الگومند است در واقع در عدالت‌های الگومند، تأکید بر وضعیت پایانی و دخالت در نتیجه توزیع‌هاست؛ در حالی که همان سازوکار بازار آزاد مبتنی بر دولت کمینه است؛ به گونه‌ای که هر فرد هر آنچه را که در روند امور روزمره و بر اساس اقتصاد آزاد و مبتنی بر اصول آزادی به دست می‌آورد استحقاق آن را دارد (نازیک، ۱۹۷۴) لذا «هر کس به اندازه شایستگی، لیاقت، نیاز، تولید نهایی و غیره» باید بهره‌مند شود. (نازیک، ۱۹۷۴: ۱۵۶)

در نظر سوسیال‌دموکرات‌ها، عدالت اجتماعی در معنای برابری مدنظر است. از این‌رو دولت باید با بازتوزیع ثروت به آن برسد. لذا در نظر آنها رفاه نمی‌تواند در یک جامعه نابرابر ایجاد شود. این برابری، حداکثرسازی برابری و نزدیک به معنای برابری فرصت‌هاست. (تیلور، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۳)

در میان اندیشمندان اسلامی، عدالت در عرصه بشری بر دو قسم اجتماعی و فردی است. عدالت در این مکتب نه به معنی مساوات و برابری است - اما اگر مقصود این باشد که عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی البته معنای درستی است (مطهری، ۱۳۹۵: ۶۱) - و نه تعادل و موزون بودن؛ چون اسلام نمی‌پذیرد برای تناسب و تعادل اجتماع، برخی تبعیض‌ها روا گردد و حق فرد پایمال شود، هر چند که این تبعیض‌ها از نظر کل روا باشد، ولی چون از نظر جزء و فرد ناروا و ظلم است نمی‌تواند تعریفی جامع از عدالت باشد. (طغیانی، ۱۳۸۱: ۲۳) بلکه عدالت به معنای رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را است. (مطهری، ۱۳۹۵: ۶۲)

اندیشمندان اسلامی با تمرکز بر مفهوم عدالت اجتماعی و از زاویه عدالت اجتماعی بحث رفاهی را در قالب تکافل اجتماعی و توازن اجتماعی مطرح کرده‌اند. (صدر، ۱۳۴۸)

تعریف مختار محقق در بررسی عدالت اجتماعی در این تحقیق براساس ترکیبی از هر سه دیدگاه فوق در بررسی رفاه اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.

۲-۴. مفهوم مرتبط

این مفاهیم یا در صورت حصول رفاه اجتماعی حاصل می‌شوند و یا در ارتباط با مفاهیم مقوم به رفاه کمک می‌کنند. مفاهیمی مانند امید، کیفیت زندگی و... از مفاهیمی مرتبط با ماحصل رفاه اجتماعی هستند و مفاهیمی مانند دولت، حقوق شهروندی و... از مفاهیم در ارتباط با رفاه اجتماعی هستند. در این قسمت دسته دوم موردنظر است.

برخلاف مفاهیم مقوم، مفاهیم مرتبط مضامینی هستند که هرچند رفاه حول آنها شکل نگرفته است ولی این مفاهیم در شکل‌گیری آن تأثیر بسزایی دارند. دولت پرنفوذترین این مفاهیم در حوزه رفاه اجتماعی است.

الف. دولت

دولت بعنوان قوه حاکمه است که با ابزارهای مالی و نظامی و... دارای قدرت و اقتدار است و هر یک از مکاتب نسبت به نقش آن و نحوه عملکرد آن بخصوص در سیاست اجتماعی و رفاه اجتماعی نظرات متفاوتی دارند.

سوسیال‌دموکرات‌ها دولت را موظف به برطرف کردن نیازهای اساسی مردم می‌دانند. نتولیرالیسم دولت را بعنوان حلال مشکلات شخصی نمی‌شناسند؛ به نظر آنها دولت در حد کمینه است که تنها به حفظ امنیت شهروندان می‌پردازد و حداکثر می‌توان تورهای ایمنی محدودی برای روزهای مبادا داشت. راه سومی‌ها بر محور پیوندهای اجتماعی ناشی از تکالیف متقابل سازمان تأکید دارند، لذا دولت را در صورتی محق به اعطای مزایای اجتماعی می‌دانند که افراد به تکالیفشان عمل کنند (فیتزپاتریک، ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵ و ۱۶۲).

در میان نواندیشان اسلامی، حیطه اصلی دخالت دولت، منطقه الفراغ است. منظور از منطقه الفراغ اموری است که به دلیل اینکه حکمی از سوی شریعت درباره صادر نشده است ولی امر می‌تواند به احکام و اقدامات خاص دست بزند تا بتواند تفاوت‌ها و فاصله‌های اجتماعی را از میان ببرد. منطقه الفراغ باید چنان منعطف باشد که اسلام، فرصت پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و حل مشکلات اقتصادی را در همه عصرها داشته باشد. در این منطقه خلأ، حاکم به دلیل اینکه ولی امر است، به اقدامات اقتصادی‌ای دست می‌زند تا تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی را تحقق بخشد. هدف و فلسفه دخالت دولت، تضمین از بین بردن تفاوت‌ها و

فاصله‌های عمیق اجتماعی است. دخالت دولت موجب می‌شود تا تضادها و فاصله‌های اجتماعی به اندازه‌ای شدید نشود که موجب انحصار ثروت در دست اغنیا شود. (صدر، ۱۳۴۸: ۳۱۳)

در تعریف دولت نیز مانند تعاریف پیش‌گفته، درباره آزادی و عدالت اجتماعی تعریف مختار اجتماعی در این تحقیق بر اساس ترکیبی از دیدگاه‌های فوق قرار داده شده است.

۳-۴. عناصر و ویژگی‌های دیدگاه ترکیبی

در دیدگاه ترکیبی از عناصر و ویژگی‌هایی هر سه دیدگاه لیبرالیسم، سوسیالیسم و نظرات اندیشمندان اسلامی وجود دارد. عناصر این سه دیدگاه در دو مفهوم مقوم و مرتبط طبق مفاهیم پیش‌گفته بر اساس محوریت مفهوم مقوم در هر دیدگاه عبارت‌اند از:

آزادی؛ این مفهوم در لیبرالیسم مفهوم مقوم است و به تبع آن ۱. دولت حداقلی است. ۲. اقتصاد آزاد است. ۳. اصالت با فاعل اخلاقی است. ۴. تأمین معیشت فردی است. از این‌رو در این رویکرد رفاه حداقلی خواهد بود.

عدالت؛ این مفهوم در سوسیال‌دموکراسی مفهوم مقام است و به تبع آن: ۱. دولت متمرکز است. ۲. اقتصاد اشتراکی است. ۳. فعل اخلاقی اصالت دارد. ۴. تأمین معیشت دولتی است. بنابراین در این رویکرد رفاه حداکثری است.

ترکیبی از آزادی و عدالت: این دو مفهوم در اندیشه اجتماعی اندیشمندان اسلامی مفهوم مقوم است و به تبع آن:

۱. دولت پشتیبان است؛ به این معنی که نظارت و هدایت‌گری در اقتصاد دارد اما مستقیماً دخالتی در امور اقتصادی نمی‌کند، اما اگر مشکلی در بخش اقتصادی پیش بیاید پشتیبانی می‌کند و کار را بر عهده بازار قرار نمی‌دهد.

۲. اقتصاد در مالکیت‌های شخصی افراد خصوصی و در اموال عمومی دولتی است.

۳. اصالت با اخلاق است که در آن‌هم فاعل و هم فعل اخلاقی باهم در نظر گرفته می‌شوند.

۴. تأمین معیشت، فردی و در صورت عدم توانایی فرد، دولتی است.

بنابراین رفاه در این دیدگاه مسئولانه و به تناسب توانایی‌ها و استعدادها افراد است.

۵. روش تحقیق

مقاله حاضر با روش کیفی و در سطح بنیادی انجام شده است و در آن از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است.

تحلیل گفتمان انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴). تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. (فرکلاف، ۱۹۹۶: ۲۶)

الف. توصیف: توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور و ساخت‌های متنی سروکار دارد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰) توصیفی از متن بیانات از قبیل قطب‌بندی متن، واژگان رفاهی متن، واژگان رفاهی مختص انقلاب و جان کلام متن در این مرحله به موارد ذیل پرداخته شده است:

- تعیین روند تاریخی و شرایط اجتماعی و اقتصادی ارائه بحث از سوی آیت‌الله خامنه‌ای.
- تعیین اتفاقات که برخی پراهمیت بوده و به وقوع پیوسته و موجب موضع‌گیری بخصوصی در آن دوره شده است و بر سخنرانی تأثیر گذاشته است.
- تعیین اصول ثابت و متغیر موجود در متن و شرایط اجتماعی دوره‌های بعد از سخنرانی که برخی تغییر یافته در بیانات رهبری و برخی همچنان به‌عنوان اصل ثابت به‌عنوان اصل ثابت انقلاب باقی مانده است.

در این بخش زمینه تاریخی-اجتماعی هر متن نیز مورد توجه قرار گرفت و نوشته شد. تا بستر گفتمانی هر متن که در بازه‌های زمانی و مکانی متفاوت و در دولت‌های مختلف ایراد شده است مورد توجه باشد؛ که از رهگذر آن بتوان گفتمان آنها را تشخیص داد.

ب. تفسیر: تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌برد. از نظر مفسر، ویژگی ظاهری متن در حقیقت به منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و محصول ارتباط دیالکتیک این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای مفسر خواهد بود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵)

- مرحله تعیین مفاهیم: تعیین مفاهیم رفاهی متن، تعیین مفاهیم رفاهی انقلابی متن، تعیین قطب‌بندی متن و ارائه جان کلام متن.

- مرحله تحقیق و تلخیص: در مرحله تدقیق و تلخیص، ضمن خلاصه کردن مطالب جان کلام متن، به حذف موارد تکراری و تعیین تعداد فراوانی مفاهیم به کار رفته در فیلدهای سه‌گانه ابتدایی جداول عناصر گفتمانی و تعیین تعداد مطالب مشترک در جان کلام متن در فیلد آخر جداول عناصر گفتمانی به عمل آمده است.

در این بخش ابتدا هر متن چندین نوبت مطالعه شد و ضمن طراحی یک جدول چند مؤلفه اصلی برای آنها تعبیه شد. هر متن از بُعد قطب‌بندی مورد توجه قرار گرفت و دوگانه موجود در آن در صورت وجود - مورد توجه قرار گرفت. تا به این وسیله، چپستی گفتمان متن با گفتمان‌های رقیب برای مخاطب به منصه ظهور برسد. سپس با بررسی دوره متن واژگان رفاهی بر اساس مبانی نظری (مفاهیم مقوم و مفهوم مرتبط) استخراج شدند، یا بر اساس حساسیت نظری محقق در موضوع رفاه اجتماعی واژگان جدیدی که در نظریات رفاهی مطرح نشده‌اند یا کم مورد توجه قرار گرفته‌اند در قالب واژگان رفاهی انقلاب در جدول نوشته شد. در نهایت نیز جان کلام متن برای دریافت محتوای متن استخراج گردید. نمونه جداول بررسی متون در جدول ذیل آمده است:

جدول نمونه جدول تحلیل گفتمان پژوهش حاضر

عناصر گفتمان	محتوای متن
قطب‌بندی متن	
واژگان رفاهی متن	
واژگان رفاهی - انقلابی متن	
جان کلام متن	

ج. تبیین: تبیین، مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد: اینکه چگونه فرایندهای تولید و تفسیر، تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. تبیین عبارت است از: دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

بنابراین، در این بخش به تحلیل و تبیین واژگان، قطب‌بندی و جان کلام متن پرداخته شده است. در این مرحله بعد از تدقیق و تلخیص جداول عناصر گفتمانی که به گام تفسیر مربوط می‌شوند تعیین گفتمان دوره‌های چهارگانه دولت‌هاست که با روش زیر به دست می‌آید:

- تعیین گفتمان متن دوره مربوطه از طریق تأکیدات موجود در جان کلام متن و واژگان موجود در فیلدهای دیگر جداول عناصر گفتمانی.

- تعیین گفتمان‌های رقیب در دوره ارائه دوره.

- تشخیص سلبیات و ایجابیات متن مورد نظر (تعیین دوگانه‌های سلبی و ایجابی).

براین اساس مراحل اجرای عملی تحقیق با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بدین صورت پیگیری شد که مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان جامعه آماری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ در نظر گرفته شد. (با توجه به تاریخ تولید مقاله سال‌های ۹۶ و ۹۷ در دسترس نبودند) و با نمونه‌گیری هدفمند، بیاناتی مورد تحلیل قرار گرفت که با حساسیت نظری بیشترین ارتباط موضوعی را با تحقیق حاضر دارا هستند. به این ترتیب که مفاهیم مقوم و مرتبط رفاه اجتماعی در بیانات ایشان جستجو شد و سخنرانی‌های ایشان در دیدارهایی که با بخش‌های رفاهی کشور بود، بررسی شد. دیدار با کارکنان وزارت بهداشت، وزارت رفاه، دانشجویان و کمیته امداد از این جمله بود. در بخش جستجویی نیز هر قطعه از بیانات به مثابه یک یا چند پاراگراف و به صورت یک متن جداگانه در نظر گرفته شدند. بررسی‌ها نیز تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری اتفاق افتاد و محقق به این نتیجه رسید که با جستجوی بیشتر بیانات و مفاهیم به رویکرد جدیدی دست پیدا نمی‌کند.

۶. یافته‌های تحقیق

پرسش تحقیق این بود که به مفاهیم مقوم و مرتبط با رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه نگریسته شده‌اند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش با استفاده از روش گفتمان فرکلاف، به ویژگی‌ها و عناصر مفاهیم مقوم و مرتبط رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دست یافته شد که یافته‌های به‌دست آمده بر اساس سطوح تحقیق به ترتیب ذیل ارائه شده است:

الف. مرحله توصیف در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای طی حدود ۳۰ سال رهبری ایشان در چهار دوره دولت‌های پس از انقلاب اسلامی به قرار زیر طبقه‌بندی شد:

۱. **دولت سازندگی:** این دولت بر امور عمرانی-زیربنایی و به‌طور کلی سازندگی توجه داشت؛ چون دوران بعد از جنگ تحمیلی و شعار توسعه به‌معنای عمران و آبادی کشور بخصوص از نظر زیرساختی بود. (سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) رهبر انقلاب اسلامی، در آغاز رهبری خود، مواجه با دورانی است که جنگ پایان یافته، دولت وقت، با شعار سازندگی بر سرکار آمده، برخی از جریانات سیاسی بعد از رحلت رهبر کبیر انقلاب بر توسعه غربی و تمام شدن شعارهای انقلاب تمرکز کرده‌اند؛ از این‌رو عده‌ای خواهان توسعه به سبک غربی و روی آوردن به رفاه در جامعه و برخی نیز خواهان پابندی صرف به عقاید و اصول زمان امام بودند، در این شرایط آیت‌الله خامنه‌ای رویکرد انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را مشخص کردند.

۲. **دولت اصلاحات:** این دولت بر توسعه سیاسی و آزادی و حق شهروندی و رفاه اجتماعی مردم تمرکز داشت. (۱۳۷۶-۱۳۸۴) در این مرحله آیت‌الله خامنه‌ای بر وجود دو مفهوم آزادی و عدالت در کنار یکدیگر و لزوم رسیدن انسان به رشد و کمال تأکید کرده‌اند و از تأکید بر آزادی صرف - به معنای آزادی مطلق از هر قیدی که خود طبق تعریف ایشان به معنای نا آزادی است - بر حذر داشتند.

۳. **دولت عدالت محور:** این دولت بر توسعه عدالت و ارزش‌های اجتماعی نظیر توجه به اقشار کم درآمد در بین تمام طبقات جامعه تأکید داشت. توسعه اجتماعی در این زمان بیشتر مورد نظر بود. (۱۳۸۴-۱۳۹۲) در این دوره تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر عدالت، همراه با کمال انسانی و توجه به پیشرفت و عدالت توأمان با یکدیگر است؛ به‌طوری که عدالت به‌خودی‌خود یک هدف نباشد بلکه هدف از عدالت به پیشرفت و کمال رسیدن به حساب می‌آید.

۴. **دولت اعتدال:** هدف این دولت تمرکز بر مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بود و توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای دیگر از جمله رویکردهای اصلی این دوران بود. (۱۳۹۲-۱۳۹۶) توجه به معیشت مردم و عدالت اجتماعی کانون توجه آیت‌الله خامنه‌ای را در این دوره تشکیل می‌دهد.

آیت‌الله خامنه‌ای طی دوره رهبری خود، در هر چهار دولت مذکور با اشاره به حیات طیبۀ اسلامی، رویکردی با دسترسی به خیرات عمومی جامعه با توجه به دنیا و آخرت و توأمان دیدن آنها، لزوم معیت ماده و معنا و رفاه و معنویت را مدنظر قرار دادند از این رو گفتمان رفاهی ایشان در این دوران گفتمان حیات طیبۀ اسلامی است.

ب. **تفسیر:** در این مرحله مجموعه بیانات مرتبط با موضوع تحقیق به صورت هدفمند مطالعه و بررسی شد که برخی از مهم‌ترین گزاره‌های آنها با تحلیل گفتمان در این قسمت اشاره شده است: در مرحله تفسیر، داده‌های ذیل از مجموعه متون به دست آمده از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پس از چندین نوبت تلخیص فراهم آمده:

جدول ۳ عناصر گفتمانی متن

عناصر گفتمانی	عناصر گفتمانی در متن	تعداد گفتمان‌های دوقطبی / واژگان رفاهی
قطب‌بندی متن	آزادی {آزادی} # جنجال / آزادی غربی، آزادی اسلامی / حق # باطل / آزادی # مانع { / رفاه / بی‌تقوایی # عدم توجه به رفاه مردم / امکانات عمومی # امکانات خصوصی / رفاه مادی # مصرف‌گرایی / رفاه # اسراف / نگاه مادی # نگاه معنوی، { / دولت اسلامی {پیشرفت # رکود و سکون / تلاش # رکود / آرمان فطری # هوس گونه / ثبات # تحول / حرکت مردم به سمت دولت # حرکت دولت به سمت مردم / آسایش ظاهری # آسایش معنوی / حق دولت # حق مردم / نگاه داشتن سرمایه # استفاده از سرمایه / آزادی اقتصادی برای همه مردم # آزادی اقتصادی برای قدرتمندان / امور رفاهی # امور مادی { / عدالت اجتماعی {رفاه مبتنی بر پول # رفاه مبتنی بر معنویت / نگاه اول توسعه بعد عدالت # توسعه مبتنی بر عدالت / اخلاق مادی # اخلاق اسلامی {	۳ تا آزادی ۵ تا رفاه ۱۰ تا دولت اسلامی ۳ تا عدالت اجتماعی
واژگان رفاهی متن	آزادی {آزادی، احساس آزادی، حق آزادی { / رفاه {رفاه و عدالت اجتماعی، تبعیض، فقیر، فرصت‌ها و امکانات، آسایش، علم، بهداشت، استعداد، عدالت اجتماعی، اخلاق، پول، فواصل طبقاتی، فرصت برابر، حق و مسئولیت اجتماعی، { / دولت اسلامی {بازنشستگان، تأمین اجتماعی، طبقات نیازمند، آموزش و پرورش، خدمات { / عدالت اجتماعی {سلامت، بهداشت، علم، شغل، تقسیم فرصت‌ها {	۳ تا آزادی ۱۶ تا رفاه ۵ تا دولت اسلامی ۵ تا عدالت اجتماعی
واژگان رفاهی - انقلابی متن	رفاه {حیات طیبه، پابرهنگان، رشد انسانی و رشد معنوی، کمال، ایمان، معنویت، زندگی گوارا، سرمایه‌های معنوی، پیشرفت عدالت محور { / دولت اسلامی {-} { / عدالت اجتماعی {نوسازی معنوی {	۱۰ تا رفاه ۱ عدد عدالت اجتماعی

ج. در مرحله تبیین یافته‌های ذیل بر اساس تحلیل گفتمان قطب‌بندی واژگان رفاهی، واژگان رفاهی و واژگان رفاهی - انقلابی بر اساس مفاهیم تحقیق به‌دست آمده است:

تحلیل گفتمانی مفهوم رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

الف. آزادی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای

آزادی در این گفتمان در برابر جنجال و هرج و مرج است؛ بنابراین هر آنچه به معنی آشوب و یا افسارگسیختگی باشد آزادی محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر آزادی دارای قواعد و قوانین است. چراکه مقابل جنجال قانون و قاعده وجود دارد.

آزادی غربی دارای ویژگی‌هایی است که از جمله مهم‌ترین آنها این است که افراد تا جایی که به حقوق دیگران تجاوز نکنند در همه چیز آزادند. اینجا بحث حقوق و قانون مطرح است یعنی آزادی دارای قواعدی است، اما حدود قواعد متفاوت است. در حالی که در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای آزادی علاوه بر حدود شناخته شده غربی نه تنها عدم تجاوز به حقوق دیگران، بلکه عدم تجاوز به حقوق خود را نیز در بر می‌گیرد. هرچند این امر به ظاهر اخلاقی است، اما قواعدی نیز در آن وجود دارد که آن را از حالت اخلاقی صرف خارج می‌کند؛ مانند قوانینی که درباره خودکشی و اعتیاد وجود دارد و مددکاران اجتماعی نیز به همین منظور فعالیت می‌کنند.

به هر روی در گفتمان انقلاب اسلامی اخلاق و قانون (حقوق) در بررسی آزادی هر دو مهم هستند، اما در گفتمان غربی وجوه قانونی آن بیشتر مورد توجه است. این امر در تعریف آزادی از رهبر انقلاب بیشتر روشن می‌شود که آزادی در این گفتمان به معنی هر آن چیزی است که مانعی نداشته باشد. این مانع در برابر رشد است و رشد نیز مبتنی بر اخلاق حسنه و کمال الهی است؛ بنابراین هر آنچه مانع رشد در این معنا است ناآزادی به حساب می‌آید.

با بررسی واژگان رفاهی متن ۴ واژه مهم‌ترین واژگان آزادی را در بیانات رهبری تشکیل می‌دهند: مفهوم آزادی بماهو آزادی، احساس آزادی، حق آزادی و آزادی به مثابه یک تکلیف. از این میان آزادی به مثابه تکلیف را می‌توان از مفاهیم گفتمان رفاهی انقلابی دانست.

آزادی و رشد یک حق برای همگان هستند و این حق باید به افراد داده شود. پس چون حق است حاکمیت و همه انسان‌ها تکلیف دارند آنها به تمامی اعضای جامعه بشر برسانند و افزون بر این تک تک انسان‌ها تکلیف دارند این حق خود را محترم داشته و پاسدار آن باشند.

از سوی دیگر این حق به واسطه نظام هستی، به افراد می‌رسد و از آنجایی که انسان نیز جزئی از هستی است با این بیان نسبت به داشتن آنچه نظم و ذات هستی است محق است و این حق یعنی آزادی برای

او جز لاینفک شناخته می‌شود؛ اما این آزادی هرچند تأمین شده باشد، اما افراد احساس داشتن آن را نکنند چرخه آزادی تکمیل نشده است و لذا افراد مکلف به تأمین این احساس برای آنها هستند. از سوی دیگر فرآیند شکل‌گیری احساس آزادی و آزادی در افراد و جامعه زمانی شکل می‌گیرد که افراد در درون خود و ذهن و روح خود آزادی را لمس و تجسم کنند و احساس آزادی کنند، آنگاه بتوانند به آزادی عینی و بیرونی دست یابند و یا برای نیل به آن مبارزه کنند.

ب. دولت در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای

دولت باید نقش نظارتی در جامعه را ایفا کند و از حقوق همگان بخصوص محرومان و مستضعفان دفاع کند و با وضع قوانین، زمینه‌های تحصیل، تربیت، سلامت، شغل و مسکن آنها را تأمین کند. در این راستا دولت نه نقش حداقلی و نه نقش حداکثری در اقتصاد دارد بلکه با ابزار نظارتی و وضع قوانین، تلاش هر کس در راه دستیابی به ثروت را محترم می‌داند و استعدادهای افراد را در رسیدن به اموال خود را به رسمیت می‌شناسد.

در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، اموال عمومی بین همگان مشترک است و دولت به‌عنوان مدافع حقوق مردم آن را در اختیار خود دارد و با قوانین به‌غیر واگذار می‌کند. همچنین در دولت اسلامی حرکت مردم به‌سمت دولت نیست بلکه دولت به‌سوی مردم می‌رود و این مانع از دیکتاتوری دولت می‌گردد. از جمله این موارد مردم‌سالاری دینی است. در عرصه اقتصاد نیز ارائه اموال عمومی به مردم اولویت دارد نه آنکه باندهای فساد در دولت شکل بگیرد و مردم بی‌خبر از آن و برای اصلاح به‌سمت دولت بروند. در عرصه رفاه نیز با ارائه و اعطای تسهیلات آموزشی و بهداشتی دولت به‌سوی مردم می‌آید.

در گفتمان انقلاب اسلامی، آسایش ظاهری و معنوی مردم و جامعه، هر دو باهم مهم است. آسایش معنوی و باطنی مواردی از قبیل اخلاق و رشد دینی است. آسایش ظاهری نیز همه موارد رشد مادی مردم است که در نیازهای فطری انسان به آنها اشاره شد. این تفاوت نظم گفتمانی انقلاب با سایر گفتمان‌ها را نشان می‌دهد. در گفتمان‌های دیگر دولت وظیفه آسایش ظاهری مردم را دارد و آسایش معنوی را در موارد امنیت روانی و اجتماعی خلاصه می‌کند؛ اما در گفتمان انقلاب تأمین دین و اخلاق مردم علاوه بر وضع قوانین و نظارت بر آنها نیز جزء وظایف رفاهی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

برای مسئولیت‌پذیری در سازوکار اقتصادی تلاش و کار از اهمیت بسزایی برخوردارند. به‌طوری‌که هر کس تلاش کند باید پاداش بگیرد. همچنین در صورت ضرورت، خلأ جامعه را با انفاق جبران کند. لذا در نهایت آسایش معنوی مردم در گرو تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسبت به نجات خود است. با توجه به نکات پیش‌گفته، در گفتمان انقلاب اسلامی هر یک از مردم و دولت، دارای حقوق هستند و حق آنها مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرد، بلکه در جهت رشد است. مردم حق دارند که از منابع خصوصی خود بهره‌برند و دولت هم حق دارد منابع عمومی را بین مردم تقسیم کند. دولت حق دارد مانع ننگه داشت سرمایه‌افراد شود - در شرایطی که مصالح عمومی به‌خطر می‌افتد - و اساساً در این گفتمان استفاده از سرمایه، اصل است و ننگه داشت آن مذموم است.

ج. مفهوم عدالت اجتماعی

در گفتمان انقلاب، توسعه و عدالت و رفاه باهم به رسمیت شناخته می‌شوند و از مباحثی مانند «اول توسعه و بعد عدالت» احتراز می‌شود. در این گفتمان نظر این است که نباید ابتدا توسعه ایجاد کرد و منابع به‌وجود آورد و سپس عدالت ایجاد کرد، بلکه باید توسعه همراه با عدالت را در دستور کار قرار داد و با توزیع فرصت‌های برابر و نه توزیع فقر به فعالیت‌های عدالتی اقدام کرد. هرچند منابع کم باشد باز عدالت اصل و هدف است و با توزیع فقر متفاوت است و به معنای ایجاد فرصت‌های برابر است. در گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی که به معنی تقسیم و توزیع فرصت‌های برابر و پر کردن شکاف طبقاتی است، ارتباط نزدیکی با بحث‌های رفاهی مانند بهداشت و شغل وجود دارد. در این گفتمان بنا بر مباحث رفاه و عدالت، ایجاد سلامت عمومی و بهداشت، شغل و علم و مسکن - که از مؤلفه‌های رشد مادی هستند - از وظایف دولت‌ها و از موارد عدالت است؛ اما برای رسیدن کامل به این موارد و نیز مواردی بالاتر از این‌ها مانند انفاق و... به نوسازی معنوی و نوسازی اخلاقی جامعه نیاز است، تا این امور تنها به‌دست دولت و با قوانین ایجاد نشود، بلکه با اخلاق و به‌صورت خودجوش و کامل اجرا شود.

در رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای عدالت به مثابه رشد و پیشرفت و آزادی نیز به مثابه رشد و پیشرفت است؛ بنابراین غایت و هدف هر دو یکی است و آن رشد است. این هر دو روش رسیدن به رشد هستند.

رشد، معنای مادی و معنوی را هم‌زمان دارد. انسان رشد می‌کند و کمال می‌یابد. در حالی که در رویکردهای فعلی رفاه اجتماعی، توسعه به مثابه آزادی است، در رویکرد انقلاب اسلامی غایت و ابزار رسیدن به توسعه، آزادی است. توسعه در این معنی تنها به جنبه‌های درآمد، تولید ناخالص ملی و افزایش ثروت نمی‌انجامد بلکه به آزادی مانند یک اصل توجه می‌شود که با آن قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد شکوفا می‌شود تا بدان واسطه هر کس توان فعالیت داشته باشد و به ثروت نیز برسد.

از سوی دیگر هر کدام از آزادی و عدالت اجتماعی در این رویکرد، در یک نقطه به یکدیگر می‌رسند. دو مقوله‌ای که در غرب بر سر انتخاب هر یک از آنها - به واسطه تضاد آن دو باهم - اختلاف بسیاری وجود دارد. در رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای به واسطه اینکه آزادی و عدالت اجتماعی به مثابه رشد هستند و نیز به واسطه آنکه هر دو یک هدف را دارند، این مفاهیم دوروی یک سکه محسوب می‌شوند. به‌طوری که عدالت اجتماعی به معنای زدودن فقر و پر کردن شکاف طبقاتی، مسیر آزاد شدن افراد از فقر و مسهل به‌سوی رشد است. به عبارت دیگر آزادی کلان مفهومی است که از عبودیت خدا و نفی طاغوت به‌دست می‌آید و عدالت اجتماعی روشی است که برای رسیدن به این کلان‌مفهوم استفاده می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

در این تحقیق در پاسخ به پرسش: «مفاهیم مقوم و مرتبط رفاه اجتماعی چیست؟» به این نتیجه رسیده شده است که مفاهیم مقوم رفاه اجتماعی، آزادی و عدالت اجتماعی است و مفهوم مرتبط با آن دولت است که در نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه مطرح شده است.

در پاسخ به پرسش اصلی: «رفاه اجتماعی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ و به مفاهیم مقوم و مرتبط با رفاه اجتماعی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه نگریسته شده است؟» به این نتیجه رسیده شد که گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای نیز به‌مانند اندیشه و گفتمان اسلامی و اندیشمندانی مانند صدر و مطهری است؛ به این قرار که: آزادی به معنای رفع موانع رشد است و رشد نیز به دو نوع رشد مادی و معنوی تقسیم می‌شود و عدالت به معنی پر کردن شکاف طبقاتی و ارائه فرصت‌های برابر است. در نتیجه آزادی و عدالت در یک معنا به مثابه یکدیگرند. به‌طوری که اگر آزادی باشد اما عدالت برقرار نباشد آن آزادی، آزادی موردنظر گفتمان انقلاب اسلامی نیست. درباره عدالت نیز همین منطبق وجود دارد.

آزادی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای هم آزادی از قید و بند فشار دستگاه‌های مستبد و ظالم بر طبقات گوناگون انسان و ایجاد حکومت عادلانه برای بشر و هم آزادی از اندیشه‌ها و تصورات و اوهام حاکم بر زندگی انسان است، این آزادی، ابتدا در دل انسان و روح به وجود می‌آید و وقتی انسان احساس آزادی کرد، آنگاه تحقق عینی آزادی برای او به وجود می‌آید. از سوی دیگر رشد، مفهوم هسته‌ای در آزادی است، بر همین مبنا آزادی از ابعاد حق است، بنابراین در برابر باطل قرار می‌گیرد. همچنین چون آزادی حق است تکلیف نیز هست. از این رو، رشد نیز حق و تکلیف بوده و هر چه مانع رشد باشد، مانع آزادی است. بر این اساس، فقر و تبعیض که مفاهیم مخالف عدالت اجتماعی هستند و دربند کننده انسان هستند مانع رشد محسوب می‌شوند.

در نتیجه اگر میان فقر و آزادی جمع گردد، طبق نظر آیت‌الله خامنه‌ای، آن آزادی در واقع نآزادی است، چون مانع رشد یعنی فقر - وجود دارد. از سوی دیگر به دست آمد که عدالت هدف میانی انقلاب اسلامی است و به معنی رفع فقر و شکاف طبقاتی تعریف شد و چون فقر مفهوم مخالف عدالت اجتماعی است، لذا عدالت اجتماعی نیز به معنای رفع موانع رشد است. رفاه نیز که نیاز فطری و متکی به آزادی و عدالت است، عامل رشد محسوب می‌شود. چون رفاه اعطای خدمات و مزایای اجتماعی به افراد و پرورش استعداد آنها است. اما اگر اسراف و مصرف‌گرایی رخ دهد و مسئولیت‌پذیری افراد را کم کند، این رفاه دیگر مانع رشد است.

بنابراین نتایج، در دیدگاه انقلاب اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی به عنوان مفاهیم مقوم رفاه اجتماعی، برخلاف نظرات مکتب لیبرالیسم و سوسیالیسم که نگاه تک‌بعدی به هریک از این مفاهیم دارند، به نوعی نگاه دوبعدی وجود دارد و این مفاهیم همراه با یکدیگر دیده شده‌اند. این نگاه با رویکرد دیگر اندیشمندان اسلامی طرح شده در تعریف مفاهیم، منطبق است.

در این تحقیق با استفاده از اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به این نتیجه رسیده شد که تلاش، کار و مسئولیت‌پذیری، عامل اعطای تسهیلات است و تنها افرادی که توانایی کسب درآمد ندارند، مانند ناتوانان جسمی و روحی، می‌توانند دریافت کننده خدمات و تسهیلات رایگان باشند. اعطای این تسهیلات از محل امکانات عمومی و توسط دولت است.

از این رو دولت اسلامی وظیفه جلوگیری از سوء استفاده از امکانات عمومی و توزیع مناسب ثروت بر

اساس قوانین و نظارت بر آنها را دارد و در برابر خدمات به مردم و کارفرمایان، از آنها مالیات دریافت می‌شود و آزادی اقتصادی نیز کنترل می‌شود. از سوی دیگر رشد که مادی و معنوی است با موانعی روبرو است مانند: جهل، بیماری، نا آزادی، ظلم، اسراف و... که همگی این موارد، محرومیت از رشد محسوب می‌شوند؛ پس برای رفع محرومیت به تعلیم و تربیت، بهداشت، عدالت و آزادی در بخش رشد مادی و به معنویت و کمال و حیات طیبه در بخش معنوی نیاز است.

در انتها نیز این نتیجه به دست آمد که هدف نهایی رشد، کمال انسانی است و برای رسیدن به همین کمال نهایی، آرمان‌هایی فطری ترسیم شده است که متناظر با نیازهای فطری است؛ مانند عدالت، آزادی و رفاه و... بنابراین چون این رشد و کمال، هدف است انسان و حکومت اسلامی باید در راه رسیدن به کمال تلاش کند.

بنابراین در مقایسه بین دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و دیدگاه ترکیبی که در تعریف مفاهیم بدان پرداخته شد وجوه تشابه و افتراق ذیل به دست آمد:

۱. آیت‌الله خامنه‌ای ترکیب آزادی و عدالت را طرح نمی‌کنند بلکه ایشان معانی آزادی و عدالت را به صورت دوروی یک سکه تعریف می‌کنند که تباینی باهم ندارند، در حالی که در دیدگاه ترکیبی، بر اساس تباین میان آزادی و عدالت ترکیب جمعی از هر دوی این مفاهیم ارائه شده بود.
۲. آیت‌الله خامنه‌ای هدف نهایی انسان و جامعه را کمال و رشد دانستند و وجود آزادی و عدالت را برای دستیابی به آن کمال مطلوب در نظر دارند در حالی که کمال مطلوب دیدگاه ترکیبی به نوعی اخلاق است.
۳. دولت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای وظیفه نظارت و توزیع مناسب ثروت را دارد، امری که در دیدگاه ترکیبی نیز همین گونه نگریسته شده است.
۴. در زمینه معیشت نیز دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با دیدگاه ترکیبی همسان است و بر معیشت فردی و در صورت ناتوانی فرد معیشت دولتی تأکید شده است.
۵. اقتصاد نیز در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با دیدگاه ترکیبی مشابه هم هستند و در اموال خصوصی و عمومی حقوق فرد و دولت محفوظ است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه
۳. تیلور، گری (۱۳۹۲)، ایدئولوژی و رفاه، ترجمه: مهدی نصرت‌آبادی، سید حسین محقق‌ی کمال، تهران: جامعه‌شناسان.
۴. جمشیدیه‌ها، غلامرضا، گلوری، رضا (تابستان ۱۳۸۹)، «عدالت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله سید محمدباقر صدر». دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳، ۲۵-۵۴.
۵. رضائی، سعید (۱۳۹۱)، بررسی گفتمانی عدالت و پیشرفت در دهه چهارم انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: احمد بخشایش اردستانی.
۶. الزرقا، محمدانس (۱۳۸۵)، «تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام. مجتبی باقری»، فصلنامه دین و اقتصاد، ۷۳-۵۴.
۷. سن، آمارتیا (۱۳۹۴) توسعه یعنی آزادی، مترجم: محمد سعید نوری نائینی، تهران: نی.
۸. صدر، محمدباقر (۱۳۴۸) اقتصاد ما بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، مترجم: محمدباقر موسوی، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. صفری شالی، رضا (۱۳۹۲)، بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما: دکتر جعفر هزارجریبی.
۱۰. طغیانی، مهدی (۱۳۸۱)، «عدالت اجتماعی از دیدگاه متفکر شهید مرتضی مطهری»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۴۴، شماره ۶ و ۷، ۲۲ - ۲۹.
۱۱. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۱۲. فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۳)، Welfare theory نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، هرمز همایون پور، چاپ دوم، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

۱۳. فیتز پاتریک، تونی (۱۳۸۵)، نظریه‌های رفاه جدید، هرمز همایون پور، چاپ دوم، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

۱۴. کوفی، ابن ابی شیبه (۱۴۰۹)، المصنف، ویراستار: سعید اللحام، چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.

۱۵. لسناف، مایکل ایچ (۱۳۷۸)، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: کوچک.

۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، عدل الهی، تهران: صدرا.

۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۸)، آزادی معنوی، تهران: صدرا.

۱۸. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۶)، «عدالت و انصاف و تصمیم‌گیری عقلانی»، نقد و نظر، دوره ۳، شماره ۱۰ و ۱۱، ۸۰-۹۳.

۱۹. نادران، الیاس، کرمی اسوه، محمدحسین (۱۳۹۲)، «بررسی خاستگاه توابع رفاه اجتماعی در رویکرد برگسون - ساموئلسن از منظر اسلام و سکولاریسم»، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، ۱۱۱، دوره ۷، شماره ۱۹، ۱۱۱-۱۲۴.

۲۰. نرم‌افزار حدیث ولایت.

۲۱. هزارجریبی، جعفر، صفری شالی، رضا (۱۳۹۱)، آناتومی رفاه اجتماعی، تهران: جامعه و فرهنگ.

22. Fairclough, N. (1996). Language and power, Longman Group UK Limited.

23. Goodwin, B. (1987). Using Political Ideas, John Wiley: Chichester.

24. Hayek, Friedrich August von (1944). The Road to Serfdom. London.

25. Hayek, Friedrich August von (1960). The Comstitution of Liberty, London.

26. Nozick, Robert (1974). Anarchy, State, and Utopia, New York: Basic Books.

27. Rawls, Jhon (1971). Atheory of Justice, Cambridge Press.

28. Tawney, R. H. (1931). Equality, London: Unwin Books.